

فهرست مطالب

-----□-----

پنج	سزسخن	□
۱	جنگ رباعی	□
۳	سنایی غزنوی: رباعیات نویافته	[۱]
۵۷	عثمان مختاری: رباعیات از قلم افتاده	[۲]
۶۷	معزی نیشابوری	[۳]
۱۵۷	عایشه مقریه	[۴]
۱۶۹	اوحدالدین انوری: رباعیات نویافته	[۵]
۲۰۱	اثیر اخسیکتی	[۶]
۳۰۹	اشرفی سمرقندی	[۷]
۳۲۷	عطار نیشابوری: اختیارات مختارنامه	[۸]
۳۵۷	افضل الدین کاشانی	[۹]
۳۷۵	اوحدالدین کرمانی	[۱۰]
۴۴۵	پوربهاء جامی	[۱۱]
۴۶۳	امامی هروی	[۱۲]
۴۷۹	سید عضد یزدی	[۱۳]
۴۸۷	سید جلال عضد یزدی	[۱۴]
۵۰۱	جلال خوافی	[۱۵]
۵۱۱	سلیمان ساوجی	[۱۶]

۵۴۱	روح عطار شیرازی	[۱۷]
۵۴۹	کمال‌الدین کاشانی	[۱۸]
۵۶۱	کاتبی ترشیزی	[۱۹]
۵۷۹	شیخی طیبی	[۲۰]
۵۸۵	عبدالعلی رفاعی	[۲۱]
۵۹۱	امیدی تهرانی	[۲۲]
۵۹۹	سایل نهاوندی	[۲۳]
۶۰۷	موالی تونی	[۲۴]
۶۱۵	پیامی کرمانی	[۲۵]
۶۲۷	محوای همدانی	[۲۶]
۷۲۷	نظام دستغیب شیرازی	[۲۷]
۷۴۵	غیاث حلوایی شیرازی	[۲۸]
۷۵۳	محمد صوفی آملی	[۲۹]
۷۸۱	صوفی کرمانی	[۳۰]
۷۸۷	مظفر حسین کاشانی	[۳۱]
۸۰۳	حقّی خوانساری	[۳۲]
۸۱۵	نذری قمشه‌ای	[۳۳]
۸۲۳	میر صابر اصفهانی	[۳۴]
۸۳۵	محمد سعید تنهای قمی	[۳۵]
۸۴۷	□ نام‌نامه	
۸۵۹	□ کتاب‌نامه	

سَرَسَخَن

■ دفتر حاضر، دربردارندهٔ ۴۱۹۷ رباعی از ۳۵ شاعر فارسی زبان است که در حد فاصل نیمهٔ دوم قرن پنجم تا اواخر قرن یازدهم هجری می‌زیسته‌اند. رباعیات فراهم آمده در این دفتر، پاره‌ای تصحیح دوبارهٔ رباعیات چاپ شده بر مبنای منابع موثقی است که از دید پژوهشگران پیشین پنهان مانده، پاره‌ای دیگر رباعیات نویافته و چاپ نشده است و پاره‌ای دیگر نیز تلفیقی از این دو؛ یعنی هم در آنها تصحیح تازه‌ای صورت گرفته و هم شامل رباعیات نویافته است. بیشتر از نیم رباعیات این دفتر، برای اولین بار است که روی چاپ می‌بینند و قطعاً رؤیت آنها برای پژوهشگران خالی از جذابیت نیست. به‌راستی که دیدار با ۲۳۵ رباعی نویافتهٔ سنایی برای هر علاقه‌مند ادب فارسی شوق‌انگیز است؛ شوقی که نگارنده نیز در دیدار نخست با این رباعیات داشته و تجربه‌ای لذت‌بخش و وصف‌نشدنی بوده است.

از زمانی که سودای کاویدن دستنویس‌های خطی و منابع مهجور در جان من افتاد، بیش از ۲۲ سال می‌گذرد. در آن ایام، واکاوی نسخه‌ها و استخراج رباعیات آنها، بیشتر برای استفادهٔ شخصی در نگارش مقالات و تدوین کتابها بود. اما بعدها که دیدم پژوهشگرانی که با حوزهٔ رباعی سر و کار دارند، فقط از منابع چاپی، آن هم نه به صورت جامع و انتقادی، بهره می‌گیرند، به فکر افتادم که یافته‌های خود را در چند دفتر عرضه بدارم که فایدهٔ آن عام گردد.

■ در نیم قرن اخیر، گزیده‌های مختلفی از رباعیات فارسی فراهم آمده است. روش اغلب گردآورندگان این کتاب‌ها چنین بوده که تعدادی از دیوان‌ها و تذکره‌های چاپی را پیش رو گذاشته و رباعیات مورد پسند خود را علامت زده و بدان سر و شکلی داده‌اند و حاصل آن، شده است گزیدهٔ رباعیات فارسی. گاهی این افراد به اصل دواوین چاپی هم رجوع نکرده و گزیدهٔ رباعیات یک شاعر را از گزیده‌های دیگر برگزیده‌اند! البته چنین کتاب‌هایی

خوانندگان و خوانندگان خود را دارد و به چاپ‌های متعدّد هم می‌رسد. اگر از مؤلفین آنها پرسیده شود که چرا در کتاب‌هایشان اثری از سرک کشیدن به گوشه‌های پنهان و مغفول تاریخ رباعی و بررسی انتقادی منابع نیست؟ لابد خواهند گفت که بهترین‌هایش همین بوده که آورده‌ایم و مابقی به درد مصحّحین محترم و نسخه‌لیسان و شرح‌نویسان می‌خورد و ما را با نبش قبر کاری نیست. نکته جالب اینجاست که اغلب مصحّحان و احیاکنندگان متون کهن که متهم ردیف اول نبش قبر ادبیات فارسی هستند، نیز حوصله جستجوی همه جانبه در دستنویس‌ها و اعتلا و ارتقای تحقیقات پیشین را ندارند و همین که از اشعار سنایی و معزی و انوری و اثیر اخیسکتی دیوانی باشد که به آن رجوع کنند، آنها را بسنده است و رندانه از وارد شدن به وادی‌های درندشت و بی سر و تهی مثل نقد انتسابات و ارزیابی منابع چاپی و خطی، سر باز می‌زنند و برای تبرئه کاهلی خود، می‌گویند: مگر ما استادانی بهتر از اقبال و مینوی و همایی و فروزانفر و مدرس رضوی و فروغی هم سراغ داریم؟ حرف این اساتید بزرگ در هر موضوعی و هر زمینه‌ای برای ما حجّت قطعی است و نکته نغز نگفته‌ای برای ما باقی نگذاشته‌اند!

حوزه پژوهش و تصحیح متون ادبی، هم محتاج گشودن جاده‌های جدید و پیمودن راه‌های نرفته است، و هم نیازمند بازنگری مستمر در مسیرهای پیشین. بنده با بضاعت خود - و شاید از سر خامی - در این دفتر و دفترهای دیگر، کوشیده‌ام پژوهش‌های قبلی را یک گام به جلوتر ببرم و نگاهی نیز به کارهای بر زمین مانده داشته باشم. فایده بازنگری در تحقیقات پیشینیان، بر طرف کردن لغزش‌های احتمالی و تکمیل کار آنهاست. ضرورت نگاه نقادانه به آثار قبلی تا بدانجاست که دفتر حاضر نیز بایستی بلافاصله بعد از نشر مورد بازنگری قرار گیرد و نقصان‌های آن گوشزد گردد و برطرف شود.

■ تدوین تاریخ رباعی فارسی و نقد و بررسی آن، پیش از هر چیز، نیازمند در دست داشتن متون موثّق است. حجم زیادی از میراث رباعی فارسی در گنجینه نسخ خطی کتابخانه‌های ایران و جهان دست نخورده باقی مانده است و بدون احیای آن منابع، هر پژوهشی که در این حوزه صورت گیرد، ناقص و ناتمام خواهد بود. تاریخ رباعی فارسی را با مرور چند دیوان و تذکره چاپی نمی‌توان نوشت. در دفتر حاضر، حدود ۲۶۰۰ رباعی نویافته و منتشر نشده عرضه شده است که ۱۳۰۰ رباعی آن اختصاص به شاعران بزرگ قرن ششم هجری، از قبیل: سنایی، معزی، انوری و اثیر اخیسکتی دارد. برخی از این رباعیات، در شمار بهترین رباعیات زبان فارسی هستند. پاره‌ای از این رباعیات، اطلاعات ما را در مورد شاعران بزرگ رباعی گوی تکمیل می‌کنند و تعدادی دیگر، گویندگان ناشناخته بعضی رباعیات مهم تاریخ رباعی را به ما می‌شناسانند. این جدا از فواید زبانی و تاریخی بسیاری است که بر این متون، مترتب است. این رباعیات، یاور ما در شناسایی واژگان و اصطلاحات و امثال و آداب و رسوم

فراموش شده خواهد بود. در بحث رباعیات سرگردان، دریچه‌های تازه‌ای بر روی ما می‌گشایند و به ما کمک می‌کنند که گویندگان واقعی رباعیات سرگردان و پُر مدّعی را بشناسیم. اگرچه، گاه به نظر می‌رسد که عرضه متون کهن، ناخواسته بر دامنه انتسابات بعضی رباعیات می‌افزاید و سرگردانی پژوهشگران را بیشتر می‌کند. ولی همین دسته از رباعیات هم چشم انداز بهتری از مسایل رباعی فارسی را پیش روی ما می‌گسترانند.

■ گردآوری رباعیات این دفتر، به چند روش صورت گرفته است. در بخشی از آن، با کمک متون مورد وثوق، دست به تصحیح تازه‌ای از رباعیات زده‌ام. یعنی نسخه‌های متعددی از دواوین یک شاعر شناسایی و بررسی شده و بهترین دستنویس‌ها را - که همیشه کهن‌ترین آنها هم نیست - برگزیده‌ام و بر مبنای آنها، کار مقابله و تصحیح پیش رفته است. در کار خود به ذکر نشانی دقیق هر رباعی در هر منبع، با استفاده از نشانه‌های اختصاری و درج شماره برگ‌های دستنویس، الزام و اعتقاد داشته‌ام. فی المثل در جایی، دستنویس کتابخانه مجلس، با نشانه S مشخص شده و عبارت S-152a در بالای رباعی، نشانگر آن است که رباعی مورد اشاره در روی برگ ۱۵۲ فلان دستنویس کتابخانه مجلس جای دارد. اعدادی که در کنار صفحات در میان <دو کمانه > جای گرفته‌اند، مشخص کننده شماره صفحه رباعیات متن در نسخه اساس کار (یا متن محوری) است. نسخه‌بدل‌های هر رباعی نیز به روشی خاص که بیشتر در تصحیح رباعیات فکری مشهدی و مونس الاحباب مروارید کرمانی آزموده‌ام، در انتهای رباعیات هر بخش آمده است. در این بخش، حرف «م» نشانه مصراع، و اعداد ۱ تا ۴ نشانه مصراع‌های چهارگانه است. یادداشت‌های مربوط به هر رباعی به همراه نسخه‌بدل‌ها آمده است. در کنار وفاداری به منابع موجود، آنجا که دستنویس‌های ما دچار لغزش آشکار بودند (از قبیل قوافی نادرست یا نابسامانی وزن به دلیل افتادگی یا افزودگی کلماتی از سوی کاتب، یا دیگر خطاهای کتابتی)، ناگزیر از تصحیح قیاسی شده‌ام که به همه آن موارد در بخش یادداشت‌ها اشاره شده است، اما ادعا نمی‌کنم که همه تصحیحات صورت گرفته از خطا مصون هستند. بسیاری از آنها شکل پیشنهاد دارند و محتاج نقد و نظر اهل فن هستند. بعضی از خطاهای متن نیز به دلیل تک نسخه‌ای بودن یا ناتوانی من در قرائت وجه صحیح آن، حل نشده باقی مانده‌اند که این موارد را نیز در بخش یادداشت‌ها یادآور شده‌ام.

■ اغلب رباعیات این دفتر، یک متن محوری دارند که اساس کار قرار گرفته است و سایر منابع با آن متن محوری سنجیده شده‌اند. محوری بودن این متن‌ها، بر اساس چند ویژگی است: یا قدمت تاریخی دارند و نزدیکی آنها به زمان مؤلف، به آنها اهمیت ویژه بخشیده است، مانند دستنویس رباعیات افضل کاشانی و امامی هروی. یا آنکه متن محوری ما، حجم قابل توجهی از رباعیات یک شاعر را در بر دارد که سایر دستنویس‌ها فاقد آن هستند، مانند دستنویس دیوان معزّی نیشابوری و اثیر اخیسکتی. یا آنکه آن متن، تنها دستنویس شناخته شده از

رباعیات یک شاعر محسوب می‌شود و تا پیدا شدن دستنویسی دیگر، بناچار، نقطه اتکا ما در نقل رباعیات آن شاعر است، مانند دیوان پوربهاء جامی، جلال خوافی، روح عطار شیرازی، شیخی طبسی، امیدی تهرانی و موالی تونی. محوری بودن بعضی متون نیز به دلیل خاص بودن آنهاست، مانند اختیارات مختارنامه و گزیده رباعیات اوحدالدین کرمانی. اینها، روایاتی نادر و قابل توجه از رباعیات شاعران رباعی سرایی همچون عطار و اوحد کرمانی را ارائه می‌کنند و این روایات گزیده، در کنار قدمت دستنویس، به آنها اعتبار ویژه بخشیده است.

■ در آنچه تا کنون نوشته و عرضه کرده‌ام، جنگ‌ها و سفینه‌ها و مجموعه‌های شعر جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و از خلال آنها، اطلاعات گرانمایی از تاریخ رباعی فارسی به دست آمده است. در نبود دیوان تعدادی از شاعران قدیم یا فقدان دستنویس‌های کهن از دیوان آنها، این جنگ‌ها مدد رسان پژوهشگران در بازیابی اشعار از دست رفته یا ضبط‌های اصیل و درخور هستند. بنابراین، در این دفتر، جنگ‌های شعر جایگاه ویژه‌ای دارند و در واقع، بعضی از بخش‌های این دفتر، محصول گردآوری و درهم‌کرد رباعیات جنگ‌های قدیمی است، مانند رباعیات عایشه مقریه، بابا افضل، عبدالعلی رفاعی، مظفر کاشانی، حقی خوانساری، نذری قمشه‌ای و میرصابر اصفهانی. البته، اطلاعات همه جنگ‌های قدیمی را نمی‌توان درست پذیرفت و همواره در استفاده از آنها، حتی کهن‌ترین‌شان، باید جانب احتیاط را نگاه داشت. چراکه گردآورندگان آنها یا کاتبان بعدی، از خطا مصون نبوده‌اند و نسبت‌های ناروا در انتسابات آنها کم نیست. به طور مثال، می‌توان به نزهة المجالس جمال خلیل شروانی اشاره کرد که مشهورترین و یکی از قدیمی‌ترین رباعی‌نامه‌های زبان فارسی است و در چند دهه گذشته، مرجع بسیاری از محققان بوده است. نسخه کامل این کتاب که در سال ۷۳۰ هجری کتابت شده، به رغم ارزش‌های خاصش، خالی از لغزش نیست و بی‌توجهی به این لغزش‌ها می‌تواند باعث گمراهی پژوهشگران شود. مهم‌ترین خللی که در دستنویس این کتاب وجود دارد، بالا و پایین شدن عناوین رباعیات و در واقع اسامی شعرا در پاره‌ای از مواضع نسخه است. بی‌دقتی کاتب نزهة المجالس، منجر به دامن زدن به مسئله رباعیات سرگردان و پیچیده شدن این مبحث شده است. در مقدمه بعضی بخش‌ها، به این موارد اشاره کرده‌ام.

■ در کنار جنگ‌ها، تعدادی از تذکره‌های شعر هم منابعی ارزشمند در بازیابی رباعیات کهن به شمار می‌روند. در این پژوهش، تذکره‌هایی همچون خلاصة الاشعار تقی کاشانی، عرفات العاشقین تقی اوحدی، بتخانه صوفی آملی، و مجموعه‌هایی همچون جواهر الخيال محمد صالح رضوی و سفینه صائب مورد استفاده ما بوده‌اند. مؤلفان این آثار، گاه به منابع دست‌اولی دسترسی داشته‌اند که امروزه از دسترس ما خارجند. بخشی از رباعیات این دفتر، مرهون این دست‌منابع هستند، مانند تعدادی از رباعیات نویافته سنایی، رباعیات اشرفی سمرقندی، امامی هروی، سید عضد یزدی، سایل نهاوندی، پیامی کرمانی، صوفی کرمانی و محمد سعید قمی.

تقی کاشانی مؤلف خلاصه الاشعار اهتمام ویژه‌ای در پیدا کردن دواوین قدیم داشته و با کمک تذکره او می‌توان بعضی دیوان‌های از دست رفته را بازسازی کرد، مثل دیوان زکی مراغه‌ای، اشرفی سمرقندی، کافی ظفر همدانی، جلال‌الدین ورکانی، و دهها شاعر دیگر. دیگر تذکره‌نویسان هم کمابیش در آثار خود از دستنویس‌های کهن بهره‌مند بوده‌اند. میرغلامعلی آزاد بلگرامی در خزانه عامره از مجموعه دواوین مورخ ۶۷۶ ق یاد می‌کند که دیوان ابوالفرج رونی، انوری، شمس طیبی، ظهیر فاریابی و عبدالعزیز لبنانی را در برداشته و کاتبی به نام ابوبکر بن عثمان بن علی آن را کتابت کرده است.^۱ آزاد، همچنین به نسخه‌ای از دیوان سلمان ساوجی اشاره می‌کند که برای خرید نزد او آورده بودند. این دستنویس را کاتبی به نام ناصر بن بزرجمهر در محرم سال ۷۹۱ هجری کتابت کرده بوده است.^۲

■ در اینجا باید به نکته‌ای اشاره کنم که تجربه بیست و چند ساله مؤانست با نسخ خطی به من آموخته است. در کار با متون ادبی، همواره آرزوی هر پژوهشگری آن است که به نسخه‌های قدیمی دست اول دست پیدا کند و هرچه فاصله میان دوران حیات یک شاعر و استکتاب دیوان او کمتر باشد، اطمینان خاطر محققان بیشتر می‌شود. معمولاً در تصحیح متون ادبی، قدمت نسخه یکی از ویژگی‌های کلیدی به‌شمار می‌آید. پژوهندگانی که در کار تصحیح، چند نسخه کهنه و نزدیک به زمان شاعر به‌چنگ‌شان می‌افتد، به ندرت سراغ دستنویس‌های متأخر می‌روند و همان‌ها را برای کار خود کافی می‌دانند. در این کار شماتتی نیست و اصل هم شاید همین باشد. اما گاهی در نسخ متأخر بدایعی یافت می‌شود که حتی نسخه‌های قدیمی هم فاقد آن هستند. برای یافتن این بدایع، باید زحمت بررسی منابع خطی کتابخانه‌ها را بر خود هموار کرد و نباید به دستنویس‌های متأخر به‌عنوان نسخه‌های بی‌اهمیت و محقر نگریست.

از آنجا که بیماری گزیده‌نویسی و گزیده‌خوانی، اختصاصاً به دوران حاضر ندارد، بسیاری از دستنویس‌های موجود دواوین شعرا، گزیده سروده‌های شاعران قدیم هستند. این گزیده‌ها، با وجود قدمت، ما را از دستنویس‌های دیگر - ولو متأخر - بی‌نیاز نمی‌کند. چه بسا، کاتبی که در قرن یازدهم و دوازدهم مشغول کتابت بوده، به‌مآخذ معتبر و با اصل و نسب دسترسی داشته است. عبداللطیف عباسی که در سال ۱۰۳۵ هجری به تصحیح و شرح حدیقه سنایی پرداخته، نسخه‌ای در اختیار داشته که در سال ۶۱۷ ق کتابت شده بوده است.^۳ از آنجا که رباعیات شاعران معمولاً در انتهای دیوان‌ها می‌آمده، اولین قربانی گزیده‌سازی، رباعیات آنها بوده است. ما از دیوان معزی نیشابوری، دو نسخه کهن در اختیار داریم که یکی در ۷۱۴ ق کتابت شده

۱. خزانه عامره، ۴۳. آزاد بلگرامی می‌نویسد شش دیوان، اما اسم پنج دیوان را بیشتر نیاورده است. ضمناً در کتاب او «لبنانی» شاعر هم تبدیل شده به «لبنانی» و مصحح محترم کتاب هم از عهده شناسایی این شاعر بر نیامده است.

۲. همانجا، ۳۶۰.

۳. رک. حدیقه الحقیقه (چاپ حسینی)، مقدمه، ص پنجاه و دو - پنجاه و چهار.

و دیگری در سده هفتم یا نهم هجری. این دو نسخه روی هم نصف اشعار معرّی را در بر می‌گیرند و تعداد رباعیاتی که دارند، یک پنجم رباعیات شاعر هم نیست. کاتبی که دستنویس شماره ۵۲۶۶ دانشگاه تهران را در سده یازدهم هجری کتابت کرده، به نسخه جامع‌تری دسترسی داشته است که مشتمل بر ۱۲ هزار بیت شعر، از جمله حدود ۴۰۰ رباعی بوده است (دو برابر دیوان چاپی).^۱ ما به دلیل متأخر بودن این نسخه و حتی خطاهای کتابتی آن، نباید خود را از داشتن تعداد بیشتری از رباعیات معرّی که اهمیت زیادی هم در تاریخ رباعی فارسی دارند، محروم کنیم. از دیوان سنایی، نسخه‌ای موجود است که در سال ۶۸۴ ق کتابت شده (متعلق به کتابخانه بایزید ولی‌الدین) و نسخه کابل را هم داریم که احتمالاً مربوط به اواخر قرن ششم است. این دو نسخه، کهن‌ترین دستنویس‌های دیوان سنایی محسوب می‌شوند. نسخه کابل ۴۰ رباعی دارد و نسخه بایزید ولی‌الدین ۲۵۱ رباعی (جمعاً حدود یک سوم رباعیات سنایی). بنده در بررسی‌های خود در کتابخانه مجلس به دستنویس ارزشمندی از قرن یازدهم برخوردیم که بسیاری از رباعیات سنایی را محفوظ نگه داشته است. تأخر این نسخه، نباید ایجاد دلنگرانی کند و باعث گردد چشم بر این گوهرهای خاک گرفته فرو بندیم.

■ به زعم بعضی از پژوهشگران، تاریخ رباعی در قرن هشتم هجری به پایان خود رسیده است و آنچه بعد از آن عرضه شده، ارزش بحث و بررسی ندارد. بنده معتقدم که تاریخ رباعی را باید مجموعه‌ای یکپارچه و به هم پیوسته دید و اجزای آن در سیر تاریخی است که معنای روشنی پیدا می‌کند. در این چشم انداز، حتی رباعیات دوره قاجار هم که تقلید صرفی از رباعیات کهن پارسی است و ارزش زیباشناختی چندانی ندارند، محتاج توجه و بازکاوی و بررسی است. مشکل بررسی تاریخ رباعی فارسی، عدم دسترسی محققان به رباعیات شاعران دوره تیموری به بعد است. بسیاری از دواوین این دوره تصحیح و چاپ نشده و همه آن مقداری هم که چاپ شده، به شیوه کاملاً علمی نیست و فاقد جامعیت لازم است. در این پژوهش، توجه ویژه‌ای به شاعران دوره تیموری و صفوی شده است. علاوه بر ارزش ذاتی این آثار، در بحث رباعیات سرگردان هم به رباعیات شاعران این دوره نیاز شدید داریم. بخش عمده‌ای از رباعیاتی که به نام ابوسعید ابوالخیر شهرت یافته، محصول ذهن شاعران عصر تیموری و صفوی است.

■ تنظیم رباعیات این دفتر بر مبنای ترتیب تاریخی آنهاست و از سنایی غزنوی آغاز می‌شود و به محمد سعید حکیم قمی می‌انجامد. در تنظیم رباعیات هر شاعر آنجا که از یک متن محوری سود جسته‌ایم، اتکای ما به ترتیب دستنویس بوده است. زیرا در این تنظیمات، به رغم بی‌سر و سامانی ظاهری آنها، فوایدی مستتر است که ممکن است عده‌ای از اهل تحقیق را به کار آید. عناوین رباعیات متن، اغلب برگرفته از نسخه‌های خطی مورد استفاده است و در حفظ این

۱. نسخه مذکور در وضعیت فعلی ۳۷۸ رباعی دارد و از انتهای رباعیات چند ورق افتاده است.

عناوین، تعدد داشته‌ام. زیرا علاوه بر آنکه یادگاری از شیوه کتابت دواوین شعرا در قرون گذشته است، در بررسی‌های ادبی و نسخه‌شناختی به درد پژوهشگران می‌خورد. دستنویس‌هایی که فاقد عنوان بوده‌اند، رباعیاتشان به همان شکل (بدون عنوان) نقل شده است و در مواردی که چند نسخه مورد استفاده بوده، عنوان کهن‌ترین آنها مد نظر قرار گرفته است. در ابتدای هر بخش، یادداشت‌هایی در معرفی هر شاعر آمده که مدخلی است بر رباعیات آن شاعر و اگر برای اهل فن، تازگی ندارد، پیشاپیش عذر مرا بپذیرند. در این مقدمه‌های کوتاه، علاوه بر ذکر پیشینه تحقیق، منابع مورد استفاده، معرفی شده و به فراخور مجال، نکاتی که در مورد رباعیات هر شاعر به ذهنم رسیده است، آورده‌ام.

■ نگارنده مدعی نیست که حرف آخر را تصحیح و گردآوری و احیای رباعیات کهن زده است. اصولاً هیچ حرف آخری در عرصه پژوهش وجود ندارد. بی‌اغراق، بعد از چاپ هر کتابی از خودم، اولین نفری هستم که با نگاه انتقادی با آن مواجه می‌شوم و از فرادای نشر آن، در حاشیه نسخه مؤلف، کاستی‌های آن و افزودنی‌های لازم را یادداشت می‌کنم. با این حال، به این امید دفتر حاضر را به چاپ سپردم که گامی رو به جلو در عرصه شناخت رباعی فارسی باشد. وگرنه، چاپ این کتاب‌ها چه فایده‌ای جز هدر دادن کاغذ و جوهر، و تضييع وقت مؤلف و خواننده خواهد داشت؟ امیدوارم که دفتر حاضر آن چنان بخت بلندی داشته باشد که از نظر اهل فن و نقد صاحب‌نظران برخوردار باشد.

چاپ این اثر، و امداد حمایت دلسوزانه استاد بزرگووارم جناب دکتر شفيعی کدکني است که همواره از سر شاگردنوازی مرا در مباحث مربوط به رباعی ترغیب و تشویق می‌کنند. خداوند به ایشان طول عمر با عزت عطا فرماید. انجام این تحقیق بدون بهره‌مندی از منابع ارزشمند خطی کتابخانه‌های مجلس، دانشگاه تهران، ملک، آستان قدس رضوی، مرعشی، کتابخانه ملی، مسجد اعظم قم و مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) میسر نمی‌بود. از مسئولین این کتابخانه‌ها صمیمانه سپاسگزارم. دوست فاضل و ارجمند آقای دکتر جواد بشری دسترسی مرا به پاره‌ای از منابع مورد نیاز ممکن کردند که جای سپاس بی‌شمار دارد. انجام این پژوهش دشوار، همچون همیشه مرهون شکیبایی و بردباری خانواده‌ام بوده است. از همسر و فرزندان عزیزم بی‌نهایت ممنونم. و در آخر، قدردان آقای علمی مدیر دلسوز نشر هستم که چاپ کتاب را در انتشارات خود پذیرفتند.

سید علی میرافضلی

رفسنجان، پاییز ۱۳۹۳

۶۰۹

یک ذره نسیم خالک بایت بودید
ز کسک درین جهان همه حسن بدید
مهر کسک از آن حسن کسک ذره بدید
بفرخت دایه دو دیده مهرت بخردید

وله

مردی کی براه عشق جان فریاد
آن کی بدوزن یار خود نکزاید
عاشق بر معشوقه جان می یاید
کار و روز و ز بهشت یادش ناید

وله

بر یاد تو جام زهر چون نوش کشند
از کوی تو عاشقان بی نوش کشند
بنمایه بزاهدان جمال رخ خوش
تا عاشق به مهر تو بردوش کشند

وله

افلاک بشیر عشق تو انهم یسعت
و آفاق بناد عشق تو انهم رفعت
در عشق جهان شدیم کی تو انهم گفت
کا هر کس که چشم بست به تو انهم خفت

وله

دیو آمدنی خیرت از سنبل خویش
امر روز قرار به به بکام دل خویش

فردا شدنی بدخبر از حاصل خویش

بس من چه نشانم ز آری کل خویش

ثم اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ حَسَنِ تَوْفِیْقِهِ

جنگ رباعی

بازیابی و تصحیح ۴۱۹۷ رباعی کهن فارسی

سنایی غزنوی

رباعیات نویافته

■ «ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، شاعر و حکیم و عارف بزرگ قرن پنجم و اوایل قرن ششم در سال ۴۶۷ در غزنه متولد شد و در همین شهر، به سال ۵۲۹ درگذشت و به خاک سپرده شد. مزارش در این شهر که در شرق افغانستان کنونی قرار دارد، زیارتگاه مردم است.»^۱

■ سنایی غزنوی در همه قالب‌های شعری اعم از قصیده و غزل و مثنوی و قطعه و رباعی، سرآمد همه شاعران عصر خود و الگوی شاعران بعد از خود بود. وی شاعری جریان‌ساز به شمار می‌رود، به‌ویژه در شعر عارفانه و عاشقانه. و اشعارش بلافاصله بعد از انتشار، در سراسر سرزمین‌های فارسی زبان خواهنده داشت و به کتاب‌های نویسندگان عصر، بالاخص مؤلفین متون تصوّف و عرفان از جمله عین‌القضات همدانی، احمد سمعانی، رشیدالدین فضل‌الله میبیدی و نجم‌رازی و دیگران راه یافت.

■ سنایی در رباعی فارسی از پیشگامان و از شاعران تأثیرگذار است و در موضوعات متنوعی همچون عشق و عرفان و حکمت رباعیات عمیق دارد. حجم رباعیات او (حدود ۷۶۰ رباعی) نیز در قیاس با شاعران هم‌عصرش از قبیل: معزی نیشابوری، عثمان مختاری، مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، سید حسن غزنوی و عبدالواسع جبلی بیشتر است. بسیاری از مفاهیم عرفانی که پیش از آن در زبان فارسی بیان نشده بود، در اشعار سنایی و رباعیاتش به عرصه آمد و مورد استناد دیگران قرار گرفت:

۱. تازیانه‌های سلوک، ۱۴

بسیرون جهان همه درون دل ماست زحمت همه در نهاد آب و گل ماست	این هر دو سرا یگان یگان منزل ماست پیش از دل و گل چه بود؟ آن حاصل ماست ^۱
گر پای من از عجز طلبکار تو نیست نه زآن نایم که دل خریدار تو نیست	تا ظن نبری که دل گرفتار تو نیست خود دیده ما محرم دیدار تو نیست ^۲
زلفینانت همیشه خم در خم باد شادان به غم منی، غم بر غم باد	وانسدهانت همیشه دم در دم باد عشقی که به صد بلا کم آید، کم باد! ^۳
آن روز که مُهر کار گردون زده‌اند واقف شده‌ای به عقل تا چون زده‌اند	مُهر زر عاشقی دگرگون زده‌اند کین زر ز سرای عقل بیرون زده‌اند ^۴
بر سین سریر سر، سپاه آمد عشق بر کاف کمال گُل، کلاه آمد عشق	بر میم ملوک ملک، ماه آمد عشق با این همه، یک قدم ز راه آمد عشق ^۵
تا با خودی، آر چه همنشینی با من در من نرسی، تا نشوی یکتا من	ای بس ذوری که از تو باشد تا من کاندره عشق، یا تو گنجی یا من ^۶
گفتی که: ز بهر مجلس افروختنی ای بسی خیر از سوخته و سوختنی	در عشق، چه لفظ‌هاست اندوختنی عشق آمدنی بود، نه آموختنی ^۷

۱. دیوان سنایی، چاپ کابل، ۶۰۶؛ کشف الاسرار، ج ۱، ۳۳۱، ۲، ۱۸۷، ۵۰۹، ج ۵، ۲۱۹، ج ۹، ۵۹.
۲. دیوان سنایی، دستنویس بایزید ولی الدین، 291a؛ نامه‌های عین القضاة همدانی، ج ۱، ۲۸۲؛ کشف الاسرار، ج ۸، ۲۰۴، ج ۱۰، ۱۳۳.
۳. دیوان سنایی، چاپ مدرس، ۱۱۲۶؛ تمهیدات، ۲۲۴؛ روح الارواح، ۵۰۸؛ کشف الاسرار، ج ۱، ۴۴۸.
۴. دیوان سنایی، دستنویس بایزید ولی الدین، 283b؛ روح الارواح، ۵۵، ۱۶۲، ۲۰۷.
۵. دیوان سنایی، دستنویس بایزید ولی الدین، 283a، چاپ مدرس، ۱۱۴۹؛ تمهیدات، ۱۱۴؛ نامه‌های عین القضاة همدانی، ج ۲، ۵۹.
۶. دیوان سنایی، دستنویس ش ۹۹۶ مجلس، 239b؛ نامه‌های عین القضاة همدانی، ج ۲، ۸۴؛ کشف الاسرار، ج ۲، ۵۱۰؛ مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، ۱۶۲ (حاشیه ۸).
۷. نزهة المجالس، ۱۹۹؛ نامه‌های عین القضاة همدانی، ج ۱، ۲۵۱، ۳۶۰؛ روح الارواح، ۱۲۰؛ اسرار التوحید، ۴۷؛ کشف الاسرار، ج ۱۰، ۴۰۰.

■ سنایی و خیام هم‌دوره بودند و احتمال دارد هر دو در محضر محمد بن منصور سرخسی شاگردی می‌کردند.^۱ در نامه‌های به‌جا مانده از سنایی، نامه‌ای هم خطاب به خیام هست و در آن، به سبب گرفتاری که در نیشابور پیدا کرده و تهمتی که به غلام او بسته بودند، از خیام استعانت جسته است.^۲ در رباعیات سنایی (متن حاضر)، به رباعیاتی بر می‌خوریم که میان او و خیام مشترک است و جزو رباعیات سرگردان محسوب می‌شوند:

- هر ذره که بر روی زمینی بوده‌ست

- گردون ز زمین هیچ گلی بر نارد

- آن را که به صحرای علل تاخته‌اند

- از درس علوم و زهد بگریزی په!

و از طرفی، سنایی در رباعیات خود به یکی از رباعیات خیام پاسخ گفته که گمان می‌کنم رباعی زیر است:

ترکیب پیاله‌ای که در هم پیوست

چندین سر و پای نازنین از سر دست

بشکستن آن روا نمی‌دارد مست

از مهرکه پیوست و به کین که شکست؟^۳

سنایی در پاسخ خود، از تمثیل درخت «آسا» و میوه‌های آن یاد کرده و مرگ را نشانه پختگی روح آدمی دانسته است:

ایزد چو ز نیست کرد آسا را هست

ما همچو بریم، پوست: تن، مغز: روان

آن را چو درختی همه در هم پیوست

چون مغز تمام بسته‌شد، پوست شکست

در رباعیات سنایی، به یک رباعی دیگر هم بر می‌خوریم که بی‌ارتباط با این دو رباعی نیست. در این رباعی، شاعر با استفاده از تمثیل عمارت و «خو» (Xow) که نوعی داربست یا قالب مخصوص بنّایان محسوب می‌شود، جواب خیام یا کسانی را که به مسئله مرگ معترضند داده است:

هرجا که عمارتی نو آغاز کنند

طاق جان را که تن بدو بستند

در بستن طاق آن خُوی ساز کنند

چون طاق تمام گشت، خو باز کنند^۴

۱. سنایی در قصایدش بارها محمد بن منصور را ستوده است (دیوان سنایی، صد و دوازده به بعد). یار احمد رشیدی به شاگردی خیام نزد ناصرالدین شیخ محمد منصور استاد سنایی اشاره دارد (طریخانه: رباعیات خیام، ۱۴۸-۱۵۰). ایضاً رک. حکیم عمر خیام و رباعیات، ۴۳

۲. مکاتیب سنایی، ۹-۱۰

۳. تاریخ جهانگشای، ج ۱، ۱۲۸

۴. دیوان سنایی، ۱۱۳۶. ضبط رباعی در چاپ مرحوم مدرس با چند خطا همراه است و ما صورت صحیح آن را با کمک دستنویس کتابخانه بایزید ولی‌الدین (برگ 313b) نقل کردیم. این رباعی را رشیدالدین همدانی در کتاب مفتاح‌التفسیر خود به نام یکی از «حکمای ما تقدّم» آورده است (ص ۲۵۹).

نکته اینجاست که بسیاری از مؤلفه‌های مربوط به رباعیات خیامانه از قبیل: اغتنام فرصت، شادخواری و تلخی مرگ، در اشعار سنایی و بالاخص رباعیات او یافت می‌شود و سنایی را می‌توان در کنار خیام، پایه‌گذار این نوع مضامین و مفاهیم در تاریخ رباعی فارسی دانست.

■ دیوان سنایی چندین بار چاپ شده که معروف‌ترین آن، نسخه مصحح مرحوم محمد تقی مدرس رضوی است. آن مرحوم، دیوان سنایی را در دو نوبت تصحیح و عرضه کرد. بار نخست، چاپ سنگی تهران را مینا قرار داد و آن را با هفت نسخه خطی مقابله نمود و حاصل کار را در سال ۱۳۲۰ شمسی منتشر ساخت. اما به دلیل گرفتاری‌های بی‌شمار، در کار مقابله و تصحیح نمونه‌های چاپی فتوری افتاد و نتیجه کار، دلخواه آن مرحوم نبود. بنابراین، مجدداً آن را با دو نسخه کهن (یعنی نسخه بایزید ولی‌الدین ترکیه و نسخه کتابخانه ملی) مقابله و نسخه منقح‌تری در سال ۱۳۴۱ شمسی توسط انتشارات ابن سینا ارائه کرد و این کتاب، تا امروز بارها به چاپ رسیده است و رایج‌ترین چاپ دیوان سنایی محسوب می‌گردد. رباعیات این چاپ بالغ بر ۵۳۷ عدد است. با این همه، علی‌رغم جامعیت نسبی، بی‌دقتی و غلط‌خوانی‌های بی‌شمار در این چاپ راه یافته که شرح آن مجال گسترده‌تری می‌خواهد.^۱

در سال ۱۳۳۶ شمسی انتشارات امیرکبیر دیوان حکیم سنایی را با تصحیحات و توضیحات مظاهر مصفا روانه بازار کرد. اساس این تصحیح، دو نسخه خطی و دو نسخه چاپی بوده است. دکتر مصفا، ضرورتی برای معرفی نسخه‌های خطی مورد استفاده ندیده است و چیزی ازین بابت نمی‌دانیم. دو نسخه چاپی مورد استفاده نیز یکی «نسخه قدیمی طبع تهران» معرفی شده و دیگری نیز ویرایش نخست چاپ مدرس رضوی بوده است. تعداد رباعیات این چاپ که از صفحات ۵۶۵ تا ۶۲۰ را در بر می‌گیرد، ۴۲۶ رباعی است و جز یک رباعی، همه آنها در چاپ مدرس رضوی موجود است. تلاش مصحح برای حل مشکلات رباعیات سنایی، به یاری دانش و ذوق ادبی، در خور تقدیر است. اما به علت در اختیار نداشتن نسخه‌های جامع و معتبر، ضبط‌های نادرست و کاستی‌های بسیار در آن به چشم می‌خورد.

نگارنده از پنج سال پیش که به فکر تصحیح تازه‌ای از رباعیات سنایی افتاد، هرگز گمان نمی‌برد که دامنه کار این‌گونه وسیع شود. در گام نخست، به کارگردآوری نسخه‌های دیوان سنایی از کتابخانه‌های کشور پرداخت و علاوه بر تصویر دو نسخه کهن موزه کابل و بایزید ولی‌الدین استانبول، تصویر ۲۲ دستنویس دیگر را از کتابخانه‌های مجلس، دانشگاه تهران، ملک، مسجد اعظم قم، کتابخانه ملی، آستان قدس، سپهسالار، و دایرة المعارف بزرگ اسلامی فراهم آورد و آنها را با چاپ مدرس رضوی مقایسه کرد. در کنار آن، به جنگ‌ها و مجموعه‌های قدیمی نیز نظر افکند و رباعیات سنایی را از آنها استخراج کرد. در کار مقابله، به

۱. در مورد مشکلات متعدد این چاپ، رک. غزل‌های حکیم سنایی غزنوی، چهل و شش - نود و هشت

رباعیات نویافته‌ای برخورد که نسخه‌های چاپی پیش‌گفته فاقد آن رباعیات بودند. در این میان، آشنایی با نسخه شماره ۹۹۶ کتابخانه مجلس، همچون مواجهه با گنجی فراموش شده بود. این دستنویس که در سده یازدهم کتابت شده، بیشترین تعداد رباعیات را در بین همه ۲۴ نسخه فراهم آمده - و به گمان من اغلب دستنویس‌های دیوان سنایی - دارد (۳۶۵ رباعی) و در میان این رباعیات، ۱۲۶ رباعی هست که در چاپ مرحوم مدرس اثری از آن‌ها نیست. اینکه نسخه مذکور در سده یازدهم هجری فراهم شده و حدود ۵۰ سال با زمان سنایی فاصله دارد برای همه ما غیبی عظیم است و افسوس می‌خوریم چرا از دیوان این شاعر بزرگ فارسی، دستنویس‌های نزدیک به زمان شاعر در اختیار پژوهشگران نیست، اما سخن ما از بضاعت فعلی ما و نسخه‌های موجود است، نه آرزوهای دور و دراز. بنابراین، تاریخ این نسخه، مانع اتکای ما به مندرجات آن نیست. قراین بی‌شماری صحت انتساب رباعیات این دستنویس را تأیید می‌کند؛ از جمله، نقل تعدادی از رباعیات در دیگر دستنویس‌ها و منابع مورد استفاده (مثل نزهة المجالس)، مشابهت زبانی و مناسبت سبکی با سایر رباعیات سنایی، و نداشتن مدعی و معارض جدی.

حاصل کار، تصحیح دوباره‌ای از رباعیات سنایی و حل معضل بسیاری از رباعیات چاپ‌های پیشین و پیدا شدن ۲۳۵ رباعی نویافته بود. ابتدا قصد بر آن بود که متن رباعیات سنایی جداگانه به چاپ برسد. اما بنا به دلایلی ترجیح دادم رباعیات نویافته را زودتر و در مجموعه حاضر عرضه دارم و از نقد و نظر اهل فن در حل معضلات بعضی رباعیات تک نسخه‌ای بهره‌مند گردم. شاید همه این ۲۳۵ رباعی از سنایی نباشد، اما می‌توان مطمئن بود که بیش از ۹۰ درصد آنها از قلم این شاعر است.

■ پس از بررسی ۲۴ دستنویس فراهم آمده و چندین جُنگ و مجموعه خطی، تعدادی از آنها را به عنوان منابع اصلی، و برخی را به عنوان منابع کمکی برگزیدم که شرح آن در پی می‌آید. سایر دستنویس‌ها و منابع اگرچه در تصحیح کل رباعیات سنایی به کار من آمده‌اند، اما در تصحیح رباعیات نویافته نقشی نداشته‌اند.

K نسخه موزه کابل. «این نسخه که قبلاً در گنجینه کتب خطی موزه کابل نگهداری می‌شد، بعدها در سال ۱۳۵۵ خورشیدی به کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات افغانستان منتقل شده است. قطع این نسخه، رحلی بزرگ و کاغذ آن خانبالغ قدیمی است. خط این نسخه، نزدیک به ثلث و رسم الخط آن از نوع رسم الخط‌هایی است که در اواخر قرن ششم رایج بوده است. این نسخه ۳۰۵ برگ (۶۰۹ صفحه) دارد. نسخه مزبور حدود ۱۵ هزار بیت را در خود دارد که مثنوی‌ها و دیوان سنایی را شامل می‌شود. افتادگی‌ها و جابجایی‌هایی در نسخه ملاحظه می‌شود. نسخه K تاریخ کتابت ندارد. اما به سبب نوع کاغذ و طرز کتابت و شیوه خط و همچنین ویژگی‌های رسم الخطی، کتابت آن را در نیمه دوم قرن ششم هجری حدس زده‌اند. این نسخه

در سال ۱۳۵۶ خورشیدی همزمان با مجلس بزرگداشت حکیم سنایی غزنوی که در افغانستان برگزار شده، به صورت چاپ عکسی انتشار یافته است.^۱

رباعیات این نسخه از صفحه ۶۰۵ آغاز می‌شود و به صفحه ۶۰۹ خاتمه می‌یابد. از بین قطعات و رباعیات، اوراقی افتاده و از بین رفته و در نتیجه آن، تعداد رباعیات آن بسیار اندک و بالغ بر ۴۰ رباعی کامل و بیت دوم یک رباعی است. رباعیات فاقد نظم الفبایی است و ظاهراً بر اساس موضوع رباعیات تنظیم یافته‌اند. مقایسه رباعیات این نسخه با نسخه‌های دیگر، تغییرات آوایی، املائی و واژگانی آنها را در طول زمان به خوبی نشان می‌دهد.

B نسخه بایزیدولی‌الدین. دستنویس شماره ۲۶۲۷ کتابخانه بایزید ولی‌الدین ترکیه که در دهم ربیع الاول سال ۶۸۴ ق کتابت شده و در حال حاضر قدیم‌ترین دستنویس تاریخ‌دار از دیوان سنایی است. فیلمی از این نسخه به همت مرحوم مینوی برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تهیه شده است که اکنون به شماره‌های ۱۳۴ و ۴۴۵ در آن کتابخانه نگهداری می‌شود. عکس این نسخه نیز به شماره‌های ۲۶۹ - ۲۷۱ در آن کتابخانه موجود است. دستنویس مذکور به خط نسخ کتابت شده است و ۳۹۷ برگ دارد و رباعیات در اوراق ۲۸۲ پ تا ۲۹۷ دستنویس جای گرفته است. تعداد رباعیات این نسخه ۲۵۱ عدد است و در تنظیم آنها نظم الفبایی رعایت نشده است. یک رباعی در دیباچه، یکی در میان قصاید و دو رباعی نیز در بین غزل‌ها جای گرفته است و مجموعاً ۷ رباعی تکراری دارد. با اینکه این نسخه از منابع مرحوم مدرس رضوی بوده است، ۱۲ رباعی از رباعیات دستنویس، از نگاه ایشان پنهان مانده است. کتابت این دستنویس به رغم قدمت در خور توجهی که دارد، از خطاهایی که گریبانگیر اغلب کاتبان نسخه‌های خطی است، از قبیل: نفهمیدن صورت اصلی شعر و تغییر آن، ادغام رباعیات، جا انداختن کلمات و... در امان نمانده است.

SI نسخه کتابخانه مجلس. دستنویس شماره ۹۹۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که دیوان اشعار سنایی غزنوی را در بر دارد و فاقد تاریخ کتابت است. اما احتمالاً در سده یازدهم هجری کتابت شده است. خط آن نستعلیق است و ۲۴۲ برگ دارد و رباعیات در انتهای نسخه (برگ ۲۲۱ ر - ۲۴۲ ر) جای گرفته و مشتمل بر ۳۶۵ رباعی است که چند تای آن تکراری است. این دستنویس، در بین همه دستنویس‌های مورد استفاده دارای بیشترین تعداد رباعیات است و نسبت به چاپ مدرس رضوی ۱۲۶ رباعی جدید دارد و ۶۸ رباعی از رباعیات چاپ حاضر، منحصرأً مربوط به این دستنویس است. دستنویس SI، نسخه بسیار معتبری است که مورد توجه محققان قرار نگرفته و به گمان بنده، مادون نسخه کهنی داشته است. رباعیات نسخه SI فاقد نظم الفبایی قافیه‌هاست.

۱. غزل‌های حکیم سنایی غزنوی، نود و نه - صد

S2 نسخه کتابخانه مجلس. دستنویس شماره ۱۳۴۷۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مشتمل بر کلیات اشعار سنایی است و در ده قسم تنظیم شده و قسم نهم آن به رباعیات اختصاص دارد. تعداد رباعیات این نسخه ۱۵۲ رباعی است که در اوراق ۳۱۷ پ - ۳۳۰ قرار دارد و فاقد نظم الفبایی است. یکی از رباعیات متن تکراری است. با توجه به عدم تطابق رکابۀ برگ ۳۲۰ پ با سطر آغازین برگ ۳۲۱ ر، احتمالاً یک یا چند ورق در بخش رباعیات افتاده است. این دستنویس به دلیل قدمت نسبی اش، قابل توجه است و با اینکه از اغلاط کتابتی در امان نمانده، بعضی صورتهای کهن را حفظ کرده است. انتهای نسخه خالی از هر گونه رقمی است. اما در هامش برگ ۳۱۳ پ در انتهای دیوان ابوالفرج رونی، تاریخ کتابت نسخه چنین مرقوم است: «يوم الثلاثاء في عشر اوابل جمادی الآخر سنه سبع و ثلثین و ثمانمائه هجریه هلالیه». و معنی آن این است که دیوان سنایی نیز در سال ۸۳۷ ق یا پیشتر از آن کتابت شده است. این دستنویس ۳۳۶ برگ دارد و با نسخه کتابخانه دیوان هند (O) که وصف آن خواهد آمد، قرابت بسیار دارد. ۱۳ رباعی از رباعیات این دستنویس منحصر به فرد است.

O نسخه کتابخانه دیوان هند. دستنویس شماره ۲۷۲۲ کتابخانه دیوان هند (اینیدا آفیس) که در هفدهم صفر ۱۰۰۶ ق کتابت شده و مشتمل بر کلیات سنایی در ده قسم است.^۱ رباعیات در قسم هشتم جای گرفته (برگ ۲۳۳ - ۲۴۳ ر) و ۱۳۷ رباعی دارد که با دو رباعی دیگر که در بخش قطعات آمده، شمار رباعیات آن به ۱۳۹ رباعی می رسد. نسخه دارای ۴۱۱ برگ ۱۹ سطری است. در بخش رباعیات، بعضی عبارات نانویس مانده و بعداً کسی کلمات افتاده را با عباراتی الحاقی و بی ربط نوشته و رباعی را به خیال خود کامل کرده است. رباعیات فاقد نظم الفبایی است. دستنویس حاضر با دستنویس S2 در ترتیب رباعیات و ضبط عبارات مشابهت بسیار دارد. جز آنکه شمار رباعیات این نسخه، کمتر از دستنویس مذکور است.

M1 نسخه کتابخانه ملک. دستنویس شماره ۵۲۴۱ کتابخانه ملک که ۲۷۷ ورق دارد و در سده یازدهم هجری به خط نستعلیق خوشخوان کتابت شده است. رباعیات این دستنویس بلافاصله بعد از غزلیات، از برگ ۲۵۷ پ شروع می شود و در برگ ۲۷۷ پ به اتمام می رسد. ۲۷۷ رباعی این نسخه دارای نظم الفبایی است، اما به دلیل جابجایی اوراق دستنویس در بخش رباعیات، نظم الفبایی رباعیات در اوراق ۲۷۲ تا ۲۷۷ ر دچار خدشه شده است و شاید از رباعیات حرف یاء چند رباعی نیز از نسخه ساقط شده باشد. در این دستنویس، ۱۴ رباعی هست که سایر نسخه ها فاقد آن هستند.

Y نسخه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی. دستنویس دیوان سنایی است که به شماره ۶۵۵ در

۱. درباره این نسخه، بنگرید: مکاتیب سنایی، ۳۶؛ مثنوی های حکیم سنایی، ۳۳؛ غزل های حکیم سنایی غزنوی، صد و سی و هشت

کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی نگهداری می‌شود. خط آن نستعلیق است و اول و آخر آن افتاده و به احتمال بسیار در سده دهم هجری کتابت شده است. در وضعیت فعلی ۲۱۲ برگ دارد و حدود ۶۰۰۰ بیت شعر. رباعیات این نسخه بالغ بر ۱۶۴ رباعی کامل و یک رباعی ناقص است که بر مبنای موضوعی تدوین شده‌اند. ازین رباعیات، ۱۱ رباعی به تناسب موضوع در میان قطعات نقل شده‌اند و مابقی در بخش رباعیات (۱۹۹ر - ۲۱۱پ). غلط‌های کتابتی زیادی دارد. اما در بعضی مواضع، به کمک آن خط‌های نسخه‌های دیگر بر طرف شده است. این دستنویس با دستنویس کتابخانه ملی (L1) شباهت بنیادی دارد و به احتمال بسیار مادر نسخه هر دو آنها، نسخه‌ای کهن و مضبوط بوده است. جز آنکه، کاتب نسخه Y، نسبت به نسخه L1 دقت کمتری در کار کتابت داشته است. ترتیب رباعیات هر دو متن یکی است، اما از نسخه (Y) یک برگ ساقط شده و اوراق آن نیز در صحافی مجدد بهم ریخته است. ایضاً در هر دو دستنویس، از یک رباعی واحد فقط بیت اولش نقل شده و بی‌گمان، مادر نسخه هر دو آنها، در این موضع دچار افتادگی بوده است.

L1 نسخه کتابخانه ملی ایران. دستنویس شماره ۲۱۸۴/ف کتابخانه ملی ایران که در هفدهم ذی‌الحجه سال ۱۰۰۲ هجری به خط نستعلیق هندی خوشخوان کتابت شده است. ۲۶۶ برگ دارد و مشتمل بر ۱۷۱ رباعی است که ۱۵۴ رباعی آن در انتهای نسخه (۲۵۳ر - ۲۶۶پ) جای گرفته و ۱۷ رباعی آن در میان غزلیات و قطعات. از نوادر این نسخه آن است که چهار رباعی را کاتب در میان غزل‌ها نویسانده به مناسب اشتراک موضوعی و شأن نزول مشابه آنها با غزل‌های مورد نظر. ۱۳ رباعی که در بخش قطعات آمده، بیشترین میزان رباعیات سنایی است که کنار قطعات نشسته است. دکتر جلالی پندری معتقد است که این نسخه از روی نسخه کهن تری نوشته شده است^۱ و قرائن نیز این نظر را تأیید می‌کند. رباعیات این نسخه، فاقد نظم الفبایی است و گردآورنده به وحدت موضوعی اشعار پایبندی خاصی داشته است. همان طور که گفتیم، این دستنویس با دستنویس دایرة المعارف اسلامی (Y) مادر نسخه واحدی داشته‌اند.

■ برای تکمیل رباعیات از قلم افتاده سنایی، علاوه بر هشت دستنویس فوق، رباعیات موجود در جنگ‌ها و مجموعه‌های قدیمی و معتبر را نیز به شرح ذیل فراهم آوردیم. سه فقره از این منابع: هفت اقلیم، بتخانه و سفینه صائب از منابع عصر صفوی است؛ یعنی هم‌دوره اغلب نسخه‌های دیوان سنایی. و در آنها رباعیاتی نقل شده که اگرچه در چاپ‌های موجود از آنها خبری نیست، اما هم از حمایت دستنویس‌های دیوان سنایی برخوردار است و هم گردآورندگان آنها جزو سخن‌شناسان روزگار خود بوده‌اند. بنابراین، نقل رباعیاتی از این منابع، نباید موجب نگرانی اهل نظر شود:

۱. غزل‌های حکیم سنایی غزنوی، صد و بیست و یک

N نزهة المجالس. دستنویس شماره ۱۶۶۷ کتابخانه علی امیری جاراالله ترکیه که در ۲۵ شوال ۷۳۱ هجری به دست اسماعیل بن اسفندیار ابهری کنایت شده و مجموعه نفیسی است از ۴۰۰۰ رباعی کهن از ۳۰۰ شاعر فارسی زبان که ادیب خوش ذوقی به نام جمال خلیل شروانی آن را در میانه سده هفتم هجری (۶۴۹ - ۶۵۸ ق) برای مجلس خاص علاءالدین شروانشاه فربرز یا فرامرز فراهم کرده است. این کتاب ارزشمند را دکتر محمد امین ریاحی تصحیح و در سال ۱۳۶۶ منتشر کرده است. در این کتاب، ۳۳ رباعی به اسم سنایی درج شده که به جهت قدمت کتاب، در خور توجه است. ۱۷ رباعی از این رباعیات در هیچ نسخه چاپی دیوان سنایی موجود نیست، اما در بعضی نسخه‌های خطی مورد استفاده ما هست. با این حال، بعضی از رباعیات نسبت یافته به سنایی، به دیگران هم منسوب است و باید در آنها احتیاط کرد.

X خلاصة الاشعار فی الرباعیات. منتخبی است از رباعیات فارسی که ابوالمجد محمد تبریزی آن را در سال ۷۲۱ هجری در پنجاه باب سامان داده و در اوراق ۲۹۷ تا ۳۰۶ پ سفینه تبریز کنایت کرده است. دستنویس سفینه تبریز به شماره ۱۴۵۹۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و چاپ عکسی آن در سال ۱۳۸۱ به همت مرکز نشر دانشگاهی عرضه شده است. در خلاصة الاشعار، سه رباعی از سنایی به ثبت رسیده است. احتمالاً مأخذ ابوالمجد در این سه فقره، نزهة المجالس جمال خلیل شروانی بوده است.

R سفینه رباعیات کتابخانه مرعشی. دستنویس شماره ۱۲۵۹۸ کتابخانه مرعشی قم که بخش عمده آن به رباعیات کهن فارسی اختصاص دارد و به احتمال بسیار در قرن هشتم هجری فراهم آمده است. در این جُنگ، ۴ رباعی به اسم سنایی دیده می‌شود که دو فقره آن در هیچ منبعی به سنایی نسبت نیافته است و ما آنها را با قید احتیاط وارد متن کردیم.

MT مکاتیب سنایی. مجموعه‌ای است مشتمل بر ۱۷ نامه که سنایی خطاب به دوستان و بزرگان و امرا و حکام زمانه نوشته و دکتر نذیر احمد آنها را بر مبنای شش نسخه تصحیح کرده و در سال ۱۹۶۰ میلادی به چاپ رسانده است. در این نامه‌ها، سنایی شش رباعی کامل نیز در گنجانده که به ظن قریب به یقین از خود اوست. هیچ‌کدام از این رباعیات، در دستنویس‌های دیوان او وارد نشده است، اما به جهت آنکه سنایی خود در بعضی مواضع تصریح دارد، از گفته خود اوست، و از لحاظ سبکی نیز با رباعیات او منافاتی ندارد، آنها را در بخش اصلی آوردیم. غیر از این شش رباعی، پنج بیت منفرد نیز هست که ظاهراً جزوی از یک رباعی و یا ابیاتی مجزاً هستند و از نقل آنها چشم پوشیدیم.

H هفت اقلیم. از تذکره‌های عمومی شعر فارسی است که امین احمد رازی در سال ۱۰۰۱ هجری پرداخته است. در ذیل شرح حال سنایی و منتخب اشعار او، جمعاً ۹ رباعی نقل شده که فقط یک فقره آن در دیوان چاپی هست.

T بتخانه. گزیده‌ای از دواوین شعرای قدیم است که صوفی آملی، شاعر دوره صفوی، به سال ۱۰۱۰ هجری در هند ترتیب داده است. صوفی، در منتخبات اشعار سنایی، ۴۸ رباعی او را گنجانده است. وی شاعری سخن شناس بوده و در کتابخانه گورکانیان هند، به منابع ارزشمندی دسترسی داشته است. بتخانه، مورد توجه اهل ادب بوده و از آن رونوشت‌های مختلفی با نام یا بی نام تهیه شده است. دستنویسی از این تذکره به شماره ۱۲۰ و ۱۳۲ در کتابخانه مجلس (مجموعه طباطبایی) موجود است و نسخه شماره ۱۲۶۸۷ کتابخانه گنج‌بخش پاکستان که با عنوان «مجموعه دواوین» معرفی شده، رونوشتی از همین کتاب است. تصویر این دستنویس به شماره ۱۶۷ در کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی موجود است که مورد استفاده من بوده است.

E سفینه صائب. گزیده اشعار ۳۰۰ شاعر فارسی زبان از آغاز تا سده یازدهم هجری که صائب تبریزی شاعر معروف دوره صفوی (متوفی ۱۰۸۶ ق) در سال ۱۰۸۳ هجری فراهم کرده است. دستنویسی از این مجموعه به شماره ۱۰۷۷۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان نگهداری می‌شود و در سال ۱۳۸۵ به اهتمام سید صادق حسینی اشکوری به صورت عکسی در اصفهان منتشر شده است. سفینه صائب با منتخبات اشعار سنایی غزنوی آغاز می‌شود و در انتهای منتخبات، ۵۴ رباعی سنایی نقل شده است. در سفینه صائب پنج رباعی هست که در نسخه‌های دیوان سنایی یافت نشد و ما با قراین لفظی و معنوی و به اعتبار گردآورنده، آنها را در متن گنجانیم.

■ در کتابخانه ملک تهران، دو نسخه دیگر از دیوان سنایی هست که در چند رباعی معدود، به کار تصحیح رباعیات نویافته سنایی آمده است.

M2 دستنویس شماره ۵۲۵۲ کتابخانه ملک که روز پنجشنبه از ماه صفر سال ۱۰۲۰ هجری به دست «عبدالعلی» به خط نستعلیق کتابت شده است. دیوان سنایی جمعاً ۲۱۵ برگ و ۱۱۰ رباعی دارد. تنظیم اشعار این نسخه بر مبنای نظم الفبایی نیست. دو رباعی از رباعیات متن، منحصراً متعلق به این دستنویس و M4 است.

M4 مجموعه دواوین شماره ۴۷۱۲ کتابخانه ملک که دارای ۴۴۲ برگ است و بخش نخست آن به دیوان سنایی غزنوی اختصاص دارد. رقم کاتب در انتهای دیوان سنایی چنین است: «تمت الديوان بعون الله الملك المئان بتاريخ غرة شهر ربيع الاول سنة ۱۰۲۶ بخط العبد المذنب محمد جان الکاتب غفر ذنوبه و ستر عيوبه» (۱۰۸ پ). در بخش رباعیات سنایی، ۱۰۴ رباعی بدون نظم الفبایی نقل شده و به تناسب موضوع، ۲ رباعی در بخش قصاید، ۸ رباعی در بخش مقطعات، و ۴ رباعی نیز در بخش غزلیات جای گرفته است و مجموع رباعیات این دستنویس، به ۱۱۸ رباعی می‌رسد.

■ مطمئناً آنچه در این اوراق آمده، دربردارنده همه رباعیات از دست رفته سنایی غزنوی نیست و با پیدا شدن نسخه‌های کهن‌تر، هم تعداد بیشتر و هم ضبط‌های نکوتری از رباعیات او را در اختیار خواهیم داشت. چنانکه در تصویری از انجامه دیوان سنایی غزنوی که آقای عارف نوشاهی از دستنویس متعلق به کتابخانه شخصی خلیل الرحمان داودی (لاهور) به چاپ رسانده، از هفت رباعی صفحه آخر، تنها یک رباعی آن برای ما آشناست و مابقی، مختص آن نسخه است.^۱ این نسخه، در ۱۴ ذی الحجه سال ۸۸۵ هجری کتابت شده و از لحاظ قدمت، نسخه قابل توجهی است. ولی با توجه به تصویر دو صفحه انتهایی نسخه می‌توان گفت از نظر دقت در کار کتابت، نسخه چندان کارگشایی نیست و ضبط‌های اشتباه و کلمات نانوشتۀ بسیار دارد. یک فقره از رباعیات این نسخه را نقل می‌کنیم. تلاش ما برای دستیابی به تصویری از این دستنویس، به جایی نرسید:

یاری که بدو اُنس بُدی مر جان را بسفروختم آن مسونس اندوهان را
با دل گفتم چه گویم آن نادان را با سیم کسی بدل کند جانان را؟

۱. سیه برسفید، بیست و پنج، ۷۶